

# اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های فکری

محمد باقر درزی

مدرس حوزه علمیه

## چکیده:

حقوق مالکیت‌های فکری یا معنوی از جمله مباحث مستحدثه فقهی و حقوقی است که در سال‌های اخیر با توجه به پیشرفت‌های علمی و صنعتی در عرصه‌های مختلف مورد توجه محققان و علمای فقه و حقوق واقع شده است. حقوق مالکیت‌های فکری یکی از ارکان مهم تمدن است که از قدیم‌الایام مورد توجه بوده.

مالکیت‌های فکری معمولاً در دو بخش مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی و تجارتي واقع می‌شود. در بخش مالکیت ادبی و هنری آثار ادبی و هنری همچون کتاب، مقاله، رسانه، نمایشنامه، شعر، ترانه، سرود، آثار سینمایی، نقاشی، پیکره عکاسی و حمایت از پدیدآورندگان آنها بررسی می‌شوند. در بخش مالکیت صنعتی و تجارتي اختراعات، اکتشافات و علائم صنعتی و تجارتي، نام تجارتي و طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و ... موضوع بحث هستند.

در فقه عامه نیز موضوع حق مالکیت فکری از مسائل مستحدثه است و فقها در سال‌های اخیر مباحثی درباره آن صورت گرفته است. و تولید فکری و منافع آن را مانند مال می‌دانند. لذا مشروعیت و اعتبار شرعی حقوق مالکیت‌های فکری از دیدگاه فقه عامه ثابت است.

**کلید واژه‌ها:** مالکیت‌های فکری، انواع مالکیت، مسائل مستحدثه، اعتبار شرعی

## مقدمه

حقوق مالکیت‌های فکری که یکی از ارکان مهم تمدن است، از قدیم الایام مورد توجه بوده است، و تا حدود دو قرن پیش مالکیت رامنحصر به اموال عینی (اموال منقول و غیر منقول) می‌دانست و غیر آن را به دلیل قابل مشاهده نبودن جزء اموال به شمار نمی‌آورد. البته به دلیل محدود بودن نشر آثار فکری و فرهنگی در گذشته پدیدآورندگان توقع بهره‌برداری مادی از آثار خود را نداشتند فلذا حمایت قانون از این‌گونه آثار مهم چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. اما مالکیت‌های فکری، که زائیده اندیشه و تفکر و هنر آدمی است، در عصر جدید اهمیت زیادی پیدا کرده است.

اطلاق مفهوم مالکیت، حقوق ناشی از اندیشه و ابتکار بشر را شامل شد و حتی به موضوعات غیر مادی تسری یافت، لذا به «مالکیت معنوی یا فکری» موسوم شده است.

آثار ادبی و هنری و همچنین اختراعات و اکتشافات بشری به سرعت و در کم‌ترین زمان ممکن از طریق وسایل ارتباطی و رسانه‌های همگانی نوین و متنوع به دیگر کشورها راه می‌یابند. تکنولوژی جدید و شیوه‌های نوین تبادل اطلاعات، به‌ویژه ابزارهای الکترونیکی و بهره‌گیری از امکانات رایانه‌ای و ماهواره‌ای، انتقال پدیده‌های علمی و آفریده‌های فرهنگی را به سراسر جهان آسان کرده است. بر همین اساس، تعدی به حقوق پدید آورندگان آثار علمی و فنی فزونی یافته و حقوق مالکیت‌های فکری حساسیت بیشتری پیدا کرده و توجه قانونگذاران و زامندان کشورها را پیش از پیش به خود جلب کرده است. قوانین مختلفی در کشورها برای حمایت از پدیدآورندگان آثار فکری به تصویب رسیده و حتی قراردادها و کنوانسیون‌هایی در سطح بین‌المللی برای این منظور منعقد شده است. در حقیقت، پیدایش صنعت چاپ در اواخر قرن پانزدهم میلادی نقطه آغاز بود برای گسترش آثار فکری و فرهنگی در سطح جهان و بالطبع توجه کشورهای مختلف به این امور و تلاش برای حمایت‌های قانونی بیشتر و بهتر از حقوق پدیدآورندگان این آثار که تا به امروز ادامه دارد.

در جهان امروز - که عصر ارتباطات نام گرفته است - در پوشش تبادل‌های فرهنگی و علمی، مرزهای کشورها چندان به چشم نمی‌آیند. و همچون گذشته نیازی نیست که برای استفاده از مطالب یک کتاب، کاتبان و رونویسان بسیج شوند و با مرارت‌های بسیار نسخه‌ای همانند نسخه نخست از آغاز تا پایان بنگارند؛ زیرا پیشرفت علم و تکنولوژی و پیدایش امکانات نوین ارتباطاتی جریان سریع اطلاعات علمی و فرهنگی در جهان را میسر ساخته است. از طرفی دیگر امروز، تألیف و تصنیف، برخلاف دوران‌های کهن که با انگیزهٔ ایجاد خدمات فرهنگی و معنوی و نشر علم و دانش صورت می‌گرفت، به دلیل تخصصی شدن امور و ضرورت تأمین معیشت صاحب اثر،

به صورت یک حرفه و منبع کسب و درآمد او درآمده است.

مالکیت‌های فکری معمولاً در دو بخش مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی و تجارتي مورد بحث واقع می‌شوند. در بخش مالکیت ادبی و هنری، آثار ادبی و هنری همچون کتاب، مقاله، رساله، نمایشنامه، شعر، ترانه، سرود، آثار سینمایی، نقاشی - پیکره، عکاسی و حمایت از پدیدآورندگان آنها بررسی می‌شوند. در بخش مالکیت صنعتی و تجارتي، اختراعات و اکتشاف‌ها و علائم صنعتی و تجارتي، نام تجارتي و طرح‌ها و مدل‌های صنعتی و ... موضوع بحث هستند.

### فرضیه‌ها و سؤالات

فرضیه اصلی این نوشته چنین است :

حقوق مادی و معنوی مؤلفان و مصنفان و به عبارتی مالکیت‌های فکری و حقوق متعلق به آن مشروع و دارای اعتبار شرعی است؛ یعنی می‌توان با ادله استنباط شرعی و عقلی و به‌طور کلی با مبانی فقهی خاصی، این حقوق را توجیه و تبیین کرد.

و فرضیه‌های فرعی عبارتند از:

۱- حقوق مؤلف ( مادی و معنوی) در انحصار وی است؛

۲- مؤلف می‌تواند حقوق مادی خود را به دیگری تفویض و منتقل کند؛

این نوشته سعی در بررسی این فرضیه‌ها و اثبات آنها دارد.

سؤالات این نوشته نیز به سؤالات اصلی و فرعی تقسیم می‌شود. سؤال اصلی این رساله

بدین شرح است:

آیا حقوق مادی و معنوی مؤلفان و مصنفان و به‌طور کلی پدیدآورندگان مشروع

است؟ و در صورت مشروع بودن با چه ادله شرعی و عقلی می‌توان آن را توجیه

تبیین کرد؟

سؤالات فرعی نیز بدین قرار است :

۱- آیا حق مادی و معنوی مؤلف و پدیدآورنده حق انحصاری است ؟

۲- آیا حق مادی و معنوی پدیدآورنده قابل انتقال به دیگری است ؟

### واژگان و اصطلاحات

#### الف) مال

مال هر چیزی است که آن را به تملک در می‌آوری و یا مال چیزی است که از هر چیزی

به تملک در می‌آوری.

در اصطلاح فقها از دو منظر شرعی بدان نگریسته‌اند؛ یعنی مال عرفی و مال شرعی را تعریف کرده‌اند .

در عرف، مالیت امری است که از اشیاء از آن جهت که ذاتاً نوع مردم به آنها تمایل دارند و برای وقت نیاز ذخیره و در کسب آن رقابت می‌کنند و در مقابل آن از اشیاء مورد علاقه خود چیزی مانند پول و غیر آن را می‌دهند، انتزاع می‌گردد .

### ب) حق

حق که مفرد حقوق است در لغت به معنای ثبوت است. ابن منظور گوید:

حق نقیض باطل است و جمعش حقوق و حقایق است و معنایش ثبوت و وجوب است. (ابن منظور، لسان العرب)

در قرآن مجید آمده است: «لقد حق القول علی اکثرهم» (یس (۳۶): ۷) یعنی: ثبت القول، یا می‌فرماید: «لیحق الحق و یبطل الباطل»؛ (انفال (۳۶): ۸) یعنی تا آن که خداوند حق را اثبات کند و باطل را نابود گرداند. در کتاب قاموس اللغة و شرح آن تاج العروس نیز آمده: «الحق الموجود الثابت» (تاج العروس)

در اصطلاح حقوقی نیز حق را چنین تعریف کرده‌اند:

حق عبارت از اقتداری است که قانون به افراد می‌دهد تا عملی را انجام دهند، لذا آزادی عمل رکن اساسی حق است، در مقابل هر حقی تکلیفی ایجاد می‌کند مثلاً در مالکیت، مالک دارای حق ملکیت است و تمام افراد در مقابل آن مکلف هستند. (امام خمینی: کتاب البیع: ص ۳۹ گرجی ابوالقاسم: مشروعیت حق: ص ۱۲۱، مرعشی: دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام: ص ۳۲۰)

### ج) مالکیت

در لغت به معنی مالک بودن، مالکی (معین محمد، فرهنگ فارسی) آمده است. ملک نیز در لغت چند معنی دارد که مناسب‌ترین آنها با تعریف‌های فقها، احتواء و استیلا بر شیء است فقها در تعریف آن تعبیرات گوناگون به کار برده‌اند.

مالکیت حقی است دائمی که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف در مالی را به خود اختصاص دهد و از اتمام منافع آن استفاده کند. (کاتوزیان ناصر: حقوق مدنی (اموال و مالکیت): ص ۱۰۶)

### د) حق مالی و حق غیر مالی

«حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص به آنها می‌دهد. هدف از ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده از اشیاء بین

اشخاص وجود دارد. و موضوع آن تأمین حمایت از نفع مادی و با ارزش است.» (کاتوزیان: همان صص ۱۱-۱۲: مقدمه علم و حقوق، ص ۲۵۶)

«حق غیر مالی امتیازی است که هدف آن قطع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع این حق روابط غیر مالی اشخاص است.» (همان هر دو)

### هـ) حق معنوی

حق معنوی یا فکری حقی است غیر از حق عینی و حق ذمی (دینی). از این رو نه به عین تعلق می‌گیرد و نه به ذمه. بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی مانند حق مخترع بر اختراع خود و ... از این قبیل است. حق مؤلف و هنرمند که نتیجه کار فکری است و حق صاحب اسم تجاری و ... (جعفری لنگرودی: ترمینولوژی حقوق، ص ۲۲۷)

یا: «حقوق معنوی حقوقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار انسان را می‌دهد.» (کاتوزیان: حقوق مدنی: صص ۲۳-۲۴) همانند حقی که نویسنده اثر ادبی یا مخترعی نسبت به آن اثر و اختراع پیدا می‌کند.

### پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری

از آن رو پیشینه تاریخی مسأله حقوق مالکیت‌های فکری را بیان می‌کنیم تا سیر دگرگونی-های آن در طی تاریخ و وجود یا ظهور این دسته از حقوق را روشن کنیم؛ و اساساً بحث در پیشینه تاریخی در هر مسأله به شناخت بهتر و صحیح‌تر از آن و مراحل طی شده آن تا وضع موجود کمک می‌کند.

ذکر این نکته نیز ضروری است که تمامی کشورها و در میان آثار گوناگون ادبی، هنری و کتاب قدمت و پیشینه‌ای طولانی‌تر دارد و این نوع از اثر، قبل از گونه‌های دیگر، از حمایت قوانین برخوردار گشته است؛ چنان که در انگلستان، که پیشگام شناسایی حق مؤلف به شمار می‌آید، ابتدا کتاب سپس آثار کنده‌کاری، مجسمه سازی، نمایشی، موسیقی و... موضوع تصویب قوانین قرار گرفته است و طبیعی است که در بررسی پیشینه تاریخی بیشتر به این گونه از آثار ادبی و هنری پرداخته خواهد شد.

اصطلاح مالکیت فکری که در سال‌های اخیر متداول گردیده، برای توصیف حقوق معنوی ناشی از فعالیت‌های فکری انسان به کار می‌رود. امروزه برای معرفی مالکیت معنوی از دو عنوان اساسی «مالکیت صنعتی» و «مالکیت ادبی و هنری» استفاده می‌کنند، که هر یک از دو عنوان مذکور موضوعات عدیده‌ای را شامل می‌شود که در جریان تکامل این حقوق، بدان پیوسته‌اند.



مفهوم حقوق مالکیت معنوی در گذشته‌های دور، با مفهومی که اکنون از آن وجود دارد تفاوت بسیار داشت، اما شراطی که امروزه برای حمایت از مالکیت معنوی وجود دارد، نتیجه همان تلاش‌های گذشته و تحولات شرائط اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی است که بلافصل ادامه داشته است، و این تحولات و جریان تکاملی همچنان تداوم دارد.

از قرن هجدهم میلادی به بعد، حقوق مالکیت معنوی در مسیر حمایت قانونی قرار گرفته و موضوعاتی مانند حق اختراع، حق تألیف، علامت تجارتي، رقابت نامشروع در تجارت و امثال این-ها، دارای ارزش مالی شناخته شده و برای مالکین آنها حقوق انحصاری در نظر گرفته شد. و سرانجام، این حقوق که منشاء آن کشورهای صنعتی غرب مانند انگلستان و فرانسه بود، به کشور مانیف نمود کرد، و قانون علائم تجارتي و اختراعات و آئین‌نامه آن به سال ۱۳۱۰ شمسی وضع گردید.

### پیشینه تاریخی حقوق مالکیت‌های فکری در فرهنگ و تمدن اسلامی

علم آموزی و دانستن و آموختن و خواندن و نوشتن یک ضرورت عقیدتی در صدر اسلام بود. پیامبرگرمی اسلام از همان نخستین روزها مردم را به کسب علم و دانش فراخواند و علم و دانش به عنوان یک ارزش در جامعه اسلامی مطرح شد. ولی «پیدایش کتاب در جهان اسلام را باید در پیوندی عمیق با تدوین احادیث دانست. جمع‌آوری بسیاری از این احادیث به دوره حکومت امویان برمی‌گردد چرا که آنان برای تحکیم اقتدار خود نیاز به خلق احادیث داشتند.» (آیتی حمید: حقوق آفرینش‌های فکری: ص ۳۵)

«تدوین و تألیف احادیث رسمی از همین دوره آغاز شد، معاویه بن‌ابی‌سفیان طی بخشنامه‌ای سراسری دستور داد که همه احادیث فضایل شیوخ ثلاثه گردآوری و کتاب شود.» (سلیم بن قیس هلالی: کتاب سلیم، صص ۷۱-۷۲)

از طرف دیگر: «پیدایش مکتب محدثان در اواخر سده نخست هجری الرحله فی طلب الحدیث یا مسافرت‌های علمی، آغاز شد و کتب روایی بسیار پدید آمد.» (اصفی محمد مهدی: پژوهشی در آیه تطهیر، صص ۱۷-۲۴)

به لحاظ حقوقی جریان رسمی و دولتی تدوین و تألیف حدیث، جوایز خاص خود را داشت و نقل و سماع و ثبت آنها مستلزم اجازه نامه روایی و رضایت مشایخ حدیث نبود؛ چرا که این گونه احادیث به دست مشایخ اموی یا دیگران ساخته می‌شدند. و مبنا و مصدري نداشتند. اما جریان غیر دولتی حدیث که همچنان ناشی از ضرورت عقیدتی بود، به‌عنوان رسالتی بر دوش محدث سنگینی می‌کرد. به تدریج این کار قانونمند شد و سلسله مراتبی یافت و دخل و تصرف در نقل و ثبت حدیث مسئولیت شرعی داشت و اصالت و امانت احادیث به درجه تدین و تشریح شیخ حدیث و

ناقل و راوی احادیث بستگی داشت. (افتخار زاده محمود: روش شناخت سنت و تاریخ اسلام، صص ۱۵۴-۱۵۸)

### ماهیت حقوقی مالکیت فکری «معنوی»

منظور از تبیین ماهیت مالکیت فکری این است که بدانیم حقوقی که به مخترع، مؤلف یا هنرمند و صاحب علامت تجارتي و امثال این‌ها تعلق دارد، چه نوع حقی است. حق مالکیت بوده یا حق عینی که بر اشیاء غیر مادی تعلق می‌گیرد و یا عنوان پاداش و مزد داشته که تابع حقوق کار خود خواهد بود و یا غیر از این‌ها.

تبیین ماهیت حقوقی بیشتر در حقوق فرانسه مطرح گردیده، در حقوق انگلیس و آمریکا چندان به ماهیت حقوق، مالکیت فکری نپرداخته، و با ذکر این که «حق مؤلف یک حق مالی است» اکتفا شده است. و حقوقدان نیز به شرح و تبیین ماهیت آن و سایر حقوق مشابه مبادرت ننموده‌اند.

از آن‌جا که مالکیت فکری سابقه زیادی ندارد، و به‌ویژه در حقوق کشور ما مورد بحث و ارزیابی جدی قرار نگرفته، از این‌رو شناخت ماهیت حقوقی آن هم کار دشواری است.

### ماهیت حقوقی «مالکیت‌های ادبی و هنری»

درباره ماهیت حقوق پدیدآورندگان و، به‌ویژه حقوق مؤلف، دیدگاهها و نظرات متفاوت و گاه متضادی آمده است. این امر بدان دلیل است که اولاً، این مقوله تازه و نوپا است؛ ثانیاً، این مقوله حقوقی از حیاتی واحد و یکپارچه برخوردار نیست و در واقع ترکیبی است از حقوق مادی و حقوق معنوی یا اخلاقی برای مؤلف. یعنی از یک‌سو پدیدآورنده حقی مادی دارد که بر اساس آن دارای حق مالکیت بر نسخه اصلی اثر و بهره‌برداری مالی از آن است و از سوی دیگر همو حقی معنوی و اخلاقی دارد که نشان دهنده شخصیت وی است و بر این اساس می‌تواند هرگاه بخواهد اثر را نشر و عرضه کند، یا به نمایش بگذارد و ...

بنابراین وقتی سخن از ماهیت حقوق پدیدآورندگان به میان می‌آید باید مجموعه این ویژگی‌ها و اختصاصات مد نظر قرار گیرد.

### عقاید فقهای شیعه

موضوع حق معنوی پس از انقلاب اسلامی با توجه به نظریه فقهی امام خمینی (ره) در کتاب

تحریر الوسیله، در حالت ابهام قرار گرفت. با این که در مورد حق مؤلف و حق مخترع و علائم تجارתי قوانین خاصی وجود داشت، برخی از محاکم صدور رأی بر اساس فتاوی فقهی را ترجیح دادند. از جمله در تاریخ ۶۲/۴/۷ در پرونده‌ای خواهان دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغی به دادگاه عمومی تهران تسلیم نمود و اعلام داشت که خوانده بدون مجوز قانونی مبادرت به نشر کتاب... کرده است. دادگاه پس از طی مراحل قانونی چنین رأی صادر کرد: «نظر به فتوای امام مدظله در کتاب شریف تحریر الوسیله... هر چند این نظر معارض با قانون حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد، ولی در مقام تعارض، رجحان داشته و بنا به مراتب دادگاه دعوی مدعی را مردود اعلام می‌دارد.» (آیتی حمید: حقوق آفرینش‌های فکری، ص ۵۱)

البته با تجدید نظر خواهی از رأی مذکور، شعبه ۱۹ دیوانعالی کشور، با استناد به مسأله هفت از ص ۲۶۲ جلد دوم تحریر الوسیله و قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اعتراض را وارد دانسته و دادنامه فرجام‌خواسته را نقص می‌نماید. (همان: ص ۵۱)

در میان فقهای شیعه، آنان که در این موضوع اظهار عقیده کرده‌اند، به دو گروه تقسیم می‌شوند، عده‌ای با حقوق مالکیت‌های معنوی موافقت و عده‌ای مخالف.

### آراء و نظرات فقهی موافقان حق مالکیت فکری الف) حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی

ایشان هم در توجیه مشروعیت حق مالکیت فکری، به عرفی و عقلانی بودن آن استناد کرده و بیان می‌دارند که: «هر نوع عملی که در نظر عرف و عقلاء منشأ حقوق باشد، رعایت آن لازم و تجاوز به آن مصداق ظلم است و شرعاً حرام می‌باشد.» (گرجی ابوالقاسم: مقاله «مشرویت حق و حکم آن با تاکید بر حق معنوی»، صص ۱۲۲-۱۲۴)

### ب) حضرت آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی

ایشان هم در بیان نظر خود راجع به حقوق مالکیت فکری چنین می‌فرمایند:

«اگر چه حضرت امام خمینی (ره)، اعتبار شرعی این حقوق را نفی فرموده‌اند، لیکن به نظر قاصر می‌رسد حقوقی را که از نظر عقلاء حق شناخته می‌شود و آثاری بر آن مترتب می‌کنند، تا دلیل شرعی بر نفی حق بودن آن‌ها قائم نشود، نمی‌توان آن‌ها را نفی کرد و از ترتب آثار آن‌ها جلوگیری نمود و ادله‌ای مانند «الناس مسلطون علی اموالهم» نمی‌تواند نافی حق بودن آن‌ها باشد.» (علی اعظم، محمد بیگی: انتشارات روش، ص ۱۲۶)

### ج) حضرت آیت‌الله سید محمد حسن مرعشی



ایشان در توجیه نظر خود، تحول حقوق خصوصی را مورد اشاره قرار داده و چنین می‌فرمایند:

«حق تألیف یکی از حقوقی است که در جوامع گذشته وجود نداشته است. زیرا مؤلفین در تألیف و نوشته‌های خود، منافع شخصی خویش را در نظر نمی‌گرفتند. اما پس از آن که کتاب وسیله‌ای برای تجارت و معامله گردید، مؤلف این حق را پیدا کرد که از تألیف خود، در مرحله اول خودش استفاده کند. زیرا کتابی را که تألیف کرده، ساخته و پرداخته خود اوست و منطقی به نظر نمی‌رسد که کسی دیگر از نوشته و اثر او ثروتمند گردد، اما خودش در فقر و احتیاج به سر برد.

### آراء و نظرات فقهی مخالفان حق مالکیت فکری الف) حضرت آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی

ایشان در پاسخ به این سؤال که آیا حقوق مالکیت‌های فکری، نظیر حق چاپ و تألیف و حق اختراع اعتبار شرعی دادند یا خیر، پاسخ می‌دهند که: «حق طبع، حق تألیف و حق اختراع را به مفهومی که در قوانین موضوعه جدید از آن تعریف شده و آثاری که بر آن مترتب می‌نمایند، حقیر نتوانسته‌ام با احکام و نظامات اسلامی تطبیق نمایم و از عقود و معاملات هم نیست که بتوانم بگویم مشمول اطلاعات یا عموم بعضی ادله مثل «أوفوا بالعقود» است ... در زمان شارع مقدس (علیه‌السلام) هم تألیف و اختراع و ابتکار بوده، اما برای مؤلف و مبتکر و مخترع و محقق، حقی اعتبار نمی‌شده و شارع هم اعتبار نفرموده است و به عباره آخری، بنابر عدم اعتبار بوده ... بناءً علی کُلِّ ما ذکر، مشروعیت حقوق مذکوره را ثابت نمی‌دانیم و هر چند ترتب برخی از آثاری که بر این حقوق مترتب می‌گردد، به طور شرط در ضمن عقد امکان پذیر است، اما مقاصد مهمی را که ارباب دعوی این حقوق دارند، با شرط نمی‌توان تأمین کرد. راهی که تا حدی می‌تواند بعضی اغراض صحیحی را که در اعتبار این حقوق در نظر است فراهم سازد، این است که فقیه جامع‌الشرایط که بر حسب ولایت باید مصالح عامه را در نظر بگیرد، به طور موردی نسبت به هر اختراع یا طبع یا تألیف، طبع یا تقلید از آن اختراع یا تألیف را تا مدت معینی محدود نمایند...» (امامی نورالدین: فاصلنامه رهنمون: صص ۲۰۸-۲۰۹)

### ب) تبیین دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام (ره) در این مسأله می‌فرمایند: آنچه نزد بعضی حق طبع (چاپ) نامیده می‌شود، حق شرعی نیست، پس جایز نیست که بدون هیچ گونه عقد و شرطی، تسلط مردم بر اموالشان (منظور صاحبان کتب که آن‌ها را خریدند) سلب شود، پس مجرد طبع کتاب و نوشتن در آن به

این که حق طبع و تقلید برای صاحبس محفوظ است، چیزی را موجب نمی‌شود و این قرار با غیر شمرده نمی‌شود، پس برای غیر او طبع و تقلید جایز است، و برای کسی جایز نیست که او را از این مسأله باز دارد.

به نظر می‌رسد که حق طبع در فرمایش حضرت امام(ره)، اعم است از حق چاپ برای ناشران و مؤسسات انتشاراتی و حق چاپ برای مؤلف که جزئی از حقوق پدیدآورنده است. زیرا بعید است که نظر ایشان تنها حق طبع و حق چاپ برای ناشر یا مؤسسه انتشاراتی یا هر شخص حقیقی یا حقوقی که اقدام به چاپ کند بوده باشد، بدین دلیل که اظهار نظر درباره حق چاپ، منوط به بحث از حق مادی مؤلف است.

شارح تحریرالوسیله، در توجیه نظریه امام (ره) چنین می‌گوید: عقلاء بر این امر اتفاق نظر ندارند که مجرد چاپ کتاب برای صاحب چاپخانه حقی ایجاد می‌گردد. هم‌چنین توافق عقلاء بر منع مردم از تقلید، قطعیت پیدا نکرده است. چرا که طبیعت مردم بر تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و حرفه‌ها استوار است و عقلاء تقلید در یکی از امور صنعتی و ساختن شیء از روی نمونه‌ای دیگر و بهره گرفتن از نتیجه فکر گذشتگان را، عرفاً تصرفی در حقوق دیگران که مشروط به اجازه صاحبان این صنایع و اعمال و افکار باشد، نمی‌دانند و چاپ کتاب نیز از جریان این سیره عقلاء خارج نیست.

## مالکیت‌های فکری در پرتو مفهوم مال از دیدگاه مذاهب اربعه

### الف) فقه حنفی

فقه‌های متقدم حنفی عقیده داشتند که «عینیت شرط اساسی مالیت اشیاء است» (دکتر فتحی درینی: حقوق مؤلفان در فقه معاصر، ص ۷۷) و چون منافع فاقد عینیت بوده و قابلیت بقاء ندارد آن را جزء مال محسوب نمی‌داشتند. اما فقه‌های متأخر این مذاهب با نظر پیشینیان به مخالفت برخاسته و «مال» را چنین تعریف کرده‌اند: «بر قیمت، مال اطلاق می‌گردد و قیمت چیزی است که قوام آن را به درهم و دینار باشد» از این تعریف استنباط می‌شود که هر چیز در میان مردم قیمت داشته باشد، بهره‌وری از آن شرعاً مباح و مال محسوب می‌شود. و این همان سخنی است که فقها حنبلی، شافعی و مالکی هم گفته‌اند.

### ب) فقه شافعی

سیوطی از فقه‌های شافعی در کتاب «الاشباه» واژه «مال» را چنین تعریف کرده است: «مال،

به چیزی اطلاق می‌شود که دارای ارزش و مورد معامله قرار گیرد و تلف کننده آن ضامن باشد. هر چند که ناچیز باشد و چیزی باشد که مردم آن را دور نمی‌اندازند.» (همان مأخذ) در این تعریف، ملاک مالیت اشیاء نظر عرف است، و عرف منفعت را ارزش مالی قائل است، زیرا همان‌طوری که امام عزین عبدالسلام گفته است: «از همه اموال، کسب همان منافع مقصود و منظور است.» (همان به نقل از: قواعد الاحکام، ۱۷/۲ ص ۳۷)

### ج) فقه حنبلی

در مذهب حنبلی «آن چیزی را مال گویند که در اثر شرائط عادی و غیر ضروری در آن منفعت مباحی باشد.» مانند گیاهان داروئی، کرم ابریشم و پرندگان که صدای خوش دارند مانند، بلبل و طوطی «اما چیزهایی که در آنها نفعی نیست، مانند حشرات و یا چیزهایی که در آنها نفع حرامی است، مانند شراب و چیزهایی که تنها در هنگام ضرورت مباح است مانند مردار و یا چیزهایی که بهرهوری از آنها تنها در وقت نیاز مباح است، مال نمی‌باشد.» (همان به نقل از: ابن قدامه، المغنی، ۴۳۹/۵، صص ۳۷-۳۸) به عقیده فقهای حنبلی، منفعت اشیاء معیار مالیت آنها قرار گرفته است و نه عینیت آنها.

### د) فقه مالکی

و سرانجام این که، امام شاطبی از پیشوایان مذهب مالکی، در کتاب «المواقفات فی اصول الشریعه» می‌گوید: «مال، آن چیزی است که مالکیت بر آن مترقب می‌شود، و مالک حق اختصاصی داشته باشد.» (همان) از نظر این فقیه مالیت یک اعتبار مجرد و وصف شرعی است که می‌تواند معیار صفت مالیت اشیاء مادی و معنوی قرار گیرد.

وجه مشترک فقهای مذاهب چهارگانه این است که هر چیزی که عرفاً دارای ارزش و منفعت باشد آن را مال گویند. و از آن چنین نتیجه‌گیری می‌شود که ابداعات و ابتکارات فکری که پیشرفت زندگی انسان‌ها و ترقی جوامع وابسته به آنها می‌باشد، منفعت بوده و دارای ارزش مالی می‌باشد. از این رو، مالیت آنها که به «مالکیت معنوی» معروف است، از نظر فقهای عامه بلااشکال است.

### نتیجه‌گیری:

در این کنکاش متذکر شدیم که حقوق مالکیت معنوی به طور کلی جوان و فاقد پشتوانه

قوی و غنی پژوهشی می‌باشد؛ به ویژه به بی‌سابقه بودن تحقیق و بررسی‌های اساسی و بحث و اظهار نظرهای حقوقی در کشور خودمان در این زمینه اشاره کردیم. به همین دلیل نظریات و آراء مندرج در این رساله را نباید با حقوق مدنی قیاس کرد که دارای پشتوانه غنی از عقاید و نظریه‌های فقها، حقوقدانان و محققین برجسته می‌باشد؛ بلکه مباحث مطروح در این تحقیق، مراحل نخستین را طی می‌کند. از این‌رو، هر چند برای دسترسی به منابع و مآخذ تلاش کافی انجام گرفته اما در حدّ کمال مطلوب نبوده است.

### منابع:

- ۱- ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، بيروت، داراحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق./ ۱۹۹۲ م.
- ۲- امامی، نورالدین- حقوق مالکیت‌های فکری- فصلنامه رهنمون، شماره ۳ و ۲- مدرسه عالی شهید مطهری - ۱۳۷۱ .
- ۳- آیتی، حمید، حقوق آفرینش‌های فکری، نشر حقوقدان، تهران، ۱۳۷۵ .
- ۴- الزبیدی مرتضی، محمدبن محمد، تاج‌العروس من جواهر القاموس، بيروت دارالتراث العربی، ۱۳۵۸ ق/ ۱۹۶۵ م .
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دانشنامه حقوقی، ج/۱، ج/۲ و ج/۳ .
- ۶- خمینی، روح‌الله، کتاب البیح، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ .
- ۷- سلیم‌بن قیس هلالی، کتاب سلیم، بيروت، دارالایمان، ۱۴۱۴ ق.
- ۸- علی اعظم، محمد بیگی، «بررسی دیدگاه‌های رایج در حقوق مؤلف»، همشهری، آبان ۱۳۷۴، شماره‌های ۸۲۵ و ۸۲۴-۸۲۳ .
- ۹- گرجی، ابوالقاسم، مشروعیت حق و حکم آن با تکیه بر حقوق معنوی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۹، مهرماه ۱۳۷۲ .
- ۱۰- گرجی، ابوالقاسم- حق و حکم با تأکید بر جنبه معنوی آن- خبر نامه انفورماتیک- شماره ۱۳۷۱،